

کلیات عقد خرید دین در نظام بانکداری ایران

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۹/۱۷، تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۱۱/۰۲)

محمدعلی کوهی عبدال آبادی^۱

دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج

دکتر پریسا ایران نژاد

استادیار گروه علوم تربیتی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج

چکیده

دستیابی به جایگاه بالاتر از سطح امکانات و یا رفع نیازها، اشخاص را به انجام معاملاتی مجبور و یا متمایل ساخته که پرداخت وجه و ثمن آن بصورت نقدی برای ایشان مقدور نیست. در همین راستا فعالیت های تجاری نیز به اقتضای شرایط خود از این موضوع مستثنی نبوده و استفاده از ابزارهای نظیر انتشار اوراق صکوک، اسناد تجاری مدتدار مانند برات، سفته، چک، اعتبارات اسنادی و... متداول گردیده است. در گذشته چنین سابقه ای از جهت گستردگی بدهی و دین دیده نمی شد تا جایی که در سطح حکومتی، دین برخی از دولت ها به بیش از ۱۰۰ درصد تولید داخلی رسیده و این موضوع نشان از آن دارد که دین و بدهی در قالب واقعیتی انکار ناپذیر افراد، بنگاه ها و دولت ها را در بر گرفته بطوریکه سمت این تغییرات بسوی تبدیل بازارهای مالی دنیا از بازار سهام به بازار دیون و سوق اقتصاد جهانی بر بستر بدهی ها و دیون می باشد. با افزایش تنوع نیازهای اشخاص و در پی آن رشد، گسترش و فراگیر شدن این گونه معاملات تجاری، تامین مالی و کسب سود بویژه " از طریق انتقال یا خرید دیون " به یکی از موضوعات ویژه و با اهمیت فعالیت های تجاری، بویژه حوزه بانکداری تبدیل شده است. هدف این پژوهش مطالعه و بررسی کارکردها و آثار خرید دین و ضرورت نظارت بر نحوه اجرای آن در سایه سیستم بانکداری بدون ربا است و در این راستا به تبیین مفاهیم بدهی و دین، اسناد تجاری و اوراق بهادار، تنزیل، خرید دین، فاکتورینگ، فورفیتینگ و تشریح اجمالی ارکان، صورت ها، شرایط خرید و پرداخت دین و قوانین آن در سیستم بانکی ایران پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: بدهی و دین؛ اسناد تجاری؛ اوراق بهادار؛ خرید دین و تنزیل

مقدمه

معاملات اعتباری و مدتدار از لازمه های مهم فعالیت های تجاری، بشمار می آید. به همین دلیل، استفاده از اسناد تجاری مدتدار همانند برات، سفته، چک، اعتبارات اسنادی و... در بین تجار بسیار مرسوم است (محمدزاده وادقانی، ۱۳۹۸). در بنگاه ها، دیون از مهمترین عوامل تامین منبع مالی به شمار می روند. بانک ها نیز در انجام انواع عملیات کوتاه مدت یا بلندمدت خود در این خصوص، روش های خاصی را به کار می گیرند. یکی از عملیات کوتاه مدت بانکی، ارائه تسهیلات خرید دین است که بانکداری اسلامی در ایران نیز از این ابزار مالی به عنوان یکی از راهکارهای تامین اعتبار و تخصیص منابع بانکی در کوتاه مدت بهره می برد (هدایتی، سفری، کلهر، ۱۳۶۷). در خصوص اسناد تجاری مدتدار، قاعداً تاجر بایستی تا تاریخ سررسید این اوراق جهت وصول وجه آن ها از متعهد، به انتظار بنشیند. ولی در بیشتر موارد، تاجر ترجیح می دهند تا هر چه سریعتر به وجه این اسناد دست یابند و بتوانند تا تاریخ سررسید نیز از این وجوه استفاده نمایند. برای دستیابی به این منظور، مقررات تجاری داخلی و بین المللی، شیوه های مختلفی را برای کسب اعتبار و استفاده از اسناد تجاری، قبل از سررسید پیش بینی نموده است. تاجر میتواند با «ظهنویسی» اسناد را به اشخاص دیگر منتقل نموده و یا اینکه از طریق این اسناد کسب اعتبار نموده و به پشتوانه این اسناد و یا با تضمین قرار دادن آن ها، نسبت به گشایش اعتبارات اسنادی جدید و یا اخذ تسهیلات بانکی اقدام نماید (اسکینی، ۱۳۸۴). اگر اوراق بهادار و اسناد تجاری مثل سفته یا برات و چک در بازار پول رسمی قابلیت تنزیل را نداشته باشد مطابق گذشته یکی از راه های تامین نقدینگی روزمره مورد نیاز واحدهای اقتصادی و تجاری از راه بازار پول غیررسمی مانند مراجعه به افرادی خواهد بود که علت حضورشان در اطراف هر بنگاه اقتصادی و واحدهای تجاری، استفاده از نیاز تاجر یعنی تامین وجه نقد در قبال اخذ اسناد تجاری البته با کسر مبلغی از ارزش آن ها به نسبت مدت باقی مانده تا سررسید و اصطلاحاً «تنزیل اسناد تجاری» است. در بانکداری ربوی نیز یکی از راه های تأمین مالی

توسط بانک ها، تنزیل اسناد تجاری مشتریان است (سلطانی، ۱۳۹۰) و (فراهانی، ۱۳۸۸). اجرای صحیح خرید دین بطور مستقیم و غیر مستقیم می تواند نقش و تاثیر بسزایی در بهبود مسائل اقتصادی و اجتماعی داشته باشد. نقدینگی حاصل از اجرای صحیح خرید و فروش دین بجای سطح عمودی جامعه بطور مستقیم به چرخه تولید وارد می گردد و افزایش تولید حمایتی غیر قابل انکار از این عرصه و سببی برای کاهش نرخ تورم خواهد بود. نرخ تورم در جامعه متناسب با عرضه و تقاضا بوده و بیشتر بودن میزان تقاضا از میزان عرضه به افزایش نرخ تورم منجر خواهد شد و بالعکس بیشتر بودن میزان عرضه از میزان تقاضا، با افت نرخ تورم همراه است. از اثرات غیر مستقیم سامان گیری چرخه تولید، می تواند استمرار شرایط کار و شغل و کاهش مشکلات اقتصادی جوامع و فواید اجتماعی نظیر کاهش میزان فساد در جامعه باشد. در حقوق تجارت بین الملل، خرید دین در حوزه تولید کالا مورد استفاده قرار می گیرد و از اینرو پیروی از نظام حقوق تجارت بین الملل بلاشکال می نماید و بانکداری اسلامی هرچند در حوزه عمل با مشکلاتی مواجه است لیکن با در نظر گرفتن تأثیر منفی ربا در سیستم های بانکداری امروزی، اجرای شیوهی صحیح و کارشناسی شده بانکداری اسلامی منجر به کارآیی نظام بانکی، رشد و توسعهی اقتصادی کشور شده که در نهایت رفاه نسبی جامعه را به دنبال خواهد داشت. همچنین بانک ها در سیستم بانکداری بدون ربا ضمن رشد و شکوفایی اقتصادی، نقش موثری در کاهش نرخ بیکاری، کاهش تورم و کاهش نوسانات اقتصادی دارند، که همه نشان از ثبات و کارآیی برتر نظام بانکداری اسلامی در مقایسه با نظام بانکداری ربوی دارد (سایه میری و دیگران، ۱۳۹۳). از طرفی اثر خرید دین تنها به خریدار و فروشنده محدود نیست بلکه نسبت به شخص سوم هم که تا حدودی با طلبکار و بدهکار ارتباط دارند اثر می گذارد. اثر خریدار دین این است که در آن خریدار جانشین طلبکار می شود یعنی دین با تمام روابط آن به خریدار منتقل می شود. اثر دیگر، اثر فروشنده است که به محض بسته شدن قرارداد دین اثر طبیعی خود را روی قطع کردن طلب یا دین به دنبال دارد. ناآگاهی کارگزاران و

مشتریان به شرایط قراردادها سبب کاهش کارآیی عقود بانکی و حتی در مواقعی موجب ربوی شدن معاملات می‌گردد. لذا آشنایی هر چه بیشتر با عقود بانکی می‌تواند از آلوده شدن معاملات بانکی به این حرام الهی جلوگیری کند (اکبرزاده، ۱۳۹۲).

پژوهش‌های زین الدین^۱ و سیدک^۲ (۲۰۱۶) با عنوان "تحلیل خرید دین در بانکداری اسلامی"، صالح^۳ و حسین^۴ (۲۰۱۷) تحت عنوان "بررسی کاربرد خرید دین در بانکداری اسلامی"، محمدنور^۵ و الیاس^۶ (۲۰۱۸) با عنوان "مروری بر بانکداری اسلامی در مالزی: توسعه و چالش‌ها"، به مروری بر توسعه و چالش‌های بانکداری اسلامی در مالزی پرداخته و نشان می‌دهند خرید دین ابزار مهمی برای بانک‌های اسلامی مالزی جهت مدیریت بدهی و ریسک است و در حالی که بانک‌های مالزیایی با چالش‌هایی مانند عدم استانداردسازی، ارزیابی ریسک، عدم تقارن اطلاعاتی و عدم قطعیت نظارتی مواجه است، با موفقیت خرید بدهی را در عملیات خود اعمال کرده‌اند و برای غلبه بر این چالش‌ها، برای تنظیم‌کننده‌ها و بازیگران صنعت ضروری است که چارچوبی جامع برای معاملات خرید بدهی ایجاد کنند که انطباق با شریعت و نتایج عادلانه را برای همه طرف‌های درگیر تضمین کند.

کمرالدین^۷ (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان "خرید بدهی در امور مالی اسلامی: پارامترهای شرعی و ساختارهای عملیاتی" با تشریح پارامترهای شرعی و ساختارهای عملیاتی خرید دین، رعایت اصول شرعی مانند عدم غرر، ربا، تضمین اصل بدهی، ارزش‌گذاری دین و رعایت اصل وثیقه را از جمله چالش‌های موجود در اجرای خرید دین بر می‌شمارد.

^۱ Zainuddin

^۲ Sidek

^۳ Salleh

^۴ Hussain

^۵ Mohamad Noor

^۶ Alias

^۷ Kamarudin

رضایی^۱ و همکاران (۲۰۱۷) در تحقیقی با عنوان " مفهوم عقد خرید دین در بانکداری و مالی اسلامی " به این نتیجه رسیدند که اطلاق اصول و قوانین شریعت اسلامی در بانکداری و مالی می تواند به رقابت پذیری بیشتر و افزایش اعتماد عمومی به این نوع خدمات مالی منجر شود.

رحمان و چودھوری (۲۰۱۸) در پژوهشی تحت عنوان " تحلیل تفاوت های فرهنگی در رفتار خرید دین در بانکداری اسلامی " نشان داند که نگرش مثبت، هنجارهای ذهنی و کنترل رفتاری درک شده بر قصد خرید دین توسط مشتریان تأثیر مثبت و معناداری دارند. علی^۲ و خان^۳ (۲۰۱۶) در پژوهشی تحت عنوان " بررسی تأثیر باورهای دینی مصرف کنندگان بر باورهای آنان نسبت به محصولات بانکداری اسلامی " به این نتیجه رسیدند که باورهای دینی اسلامی مشتریان به طور معناداری بر نگرش و تمایل به استفاده از محصولات بانکداری اسلامی تأثیر می گذارد و اطلاعات دینی و تأثیر آن بر تصمیمات مالی مشتریان نقش مهمی در بازار بانکداری اسلامی دارد. از جمله اینکه هراس از خرید دین می تواند بر تصمیمات مصرفی در بخش بانکداری اسلامی تأثیر بگذارد.

حسن و اعظم^۴ (۲۰۱۹) در پژوهشی تحقیقی با عنوان " اهمیت تقویت ارتباط با خرید دین در بانکداری اسلامی " با استفاده از روش تحقیق کیفی و مصاحبه با خبرگان بانکداری اسلامی، عوامل مؤثر بر تقویت رابطه بین مشتریان و بانک های اسلامی در زمینه خرید دین را مورد بررسی قرار دادند. نتایج این تحقیق نشان داد که عواملی همچون اعتماد، تعهد، رضایت مشتری و فرصت های مشترک در تقویت این رابطه نقش مهمی ایفا می کنند. همچنین، ویژگی های محصول و خدمات بانکی، همسویی با اصول شریعت و تجربه مناسب مشتری نیز به عنوان عوامل کلیدی در این زمینه شناسایی شدند.

^۱ Razaee

^۲ Ali

^۳ Khan

^۴ Azam

خان^۱ و رحمان^۲ (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان " رابطه بین رفتار اخلاقی و خرید دین در بانکداری اسلامی" با استفاده از تئوری رفتار برنامه ریزی شده، عوامل مؤثر بر قصد مشتریان برای خرید دین را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که نگرش مثبت نسبت به خرید دین، هنجارهای ذهنی و کنترل رفتاری درک شده بر قصد خرید دین توسط مشتریان بانکداری اسلامی تأثیر مثبت و معناداری دارد. همچنین، رفتار اخلاقی به عنوان عامل تسهیل کننده در این رابطه ایفای نقش می‌کند. این مطالعه به درک بهتر چگونگی تأثیرگذاری رفتار اخلاقی بر خرید دین در بانکداری اسلامی کمک می‌کند.

هجینی نژاد و گنج بخش (۱۴۰۱) در تحقیقی با نام " چالش اصلاحات اخیر قانون صدور چک با تنزیل چک و خرید دین" به بررسی تغییرات قانون صدور چک در سال ۱۳۹۷ و اجرائی شدن آن در سال ۱۴۰۰ از حیث ممنوعیت صدور چک در وجه حامل و جایگزینی ثبت چک در سامانه به جای ظهرنویسی و عدم تعیین تکلیف چگونگی اخذ ضمانت در چک که موجب گردید امکان انتقال چک به بانک از طریق ظهرنویسی و اخذ ضمانت برای آن به منظور تحقق خرید دین دچار چالش شود، پرداخت و نشان داد که این ممنوعیت و محدودیت اخیر در کشورهای دیگر نظیر انگلستان و آمریکا نیز به اشکال مختلف وجود دارد و تغییرات اخیر موجب زوال مسئولیت تضامنی مسئولین سند تجاری نمی‌گردد و نه تنها مانع تحقق تنزیل چک و پرداخت تسهیلات خرید دین نیست، بلکه موجب احراز حقیقی بودن دین ناشی از چک و جلوگیری از معاملات صوری نیز می‌شود. خرید دین بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل شک و شبهه‌هایی که در اصل و ماهیت آن بود کمتر مورد استفاده قرار گرفته است. پس از تغییر نظام بانکداری ربوی به بانکداری اسلامی، عقود دوازده گانه اسلامی جایگزین وام های بانکی سابق گردید. خرید دین از اواسط دهه شصت و پس از تصویب قانون عملیات بانکداری بدون ربا، مصوب سال ۱۳۶۲ از

^۱ Khan

^۲ Rahman

سوی شورای نگهبان مورد تأیید و همزمان در سیستم بانکی کشور مورد استفاده قرار گرفت. عملیات مربوط به خرید دین تا سال ۱۳۶۷ بر اساس آیین‌نامه موقت تنزیل اسناد و اوراق تجاری و مقررات اجرایی آن، که در جلسه مورخ ۱۳۶۱/۰۸/۲۶ شورای پول و اعتبار به تصویب رسید و در شورای نگهبان مورد تأیید قرار گرفت و نیز اصلاحیه بعدی آیین‌نامه مذکور مصوب ۱۳۶۶/۰۹/۲۴ شورای پول و اعتبار، انجام می‌گرفت. با تصویب نهایی قانون برنامه پنجم در سال ۱۳۶۲، مطابق با ماده ۹۸ این قانون، در راستای رفع مشکلات اقتصادی در زمینه تخصیص منابع و حداکثر استفاده از ظرفیت‌های عقود اسلامی سه گانه استصناع، مرابحه و خرید دین پس از بررسی ابعاد مختلف آن در شورای فقهی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به فصل سوم قانون عملیات بانکداری بدون ربا افزوده شد (ملا کریمی، ۱۳۹۰). در ادامه این پژوهش در حد توان و به صورت اجمالی به تعاریف، مفاهیم، مسائل و موارد کلیدی و مرتبط در خصوص عقد خرید دین در سایه بانکداری بدون ربا و اهمیت توسعه و بکارگیری ابزارهای مالی و نظارت بر اجرای آن‌ها منطبق با بانکداری اسلامی در ایران می‌پردازد و واژه‌های کلیدی آن را می‌توان به بدهی و دین، اسناد تجاری و اوراق بهادار، تنزیل، بیع دین، خرید دین، اعتبار در حساب جاری، تنزیل مجدد، ابزارهای مالی اسلامی از جمله مطالبات قراردادی فاکتورینگ، اوراق خرید دین، اوراق گام بسط داد.

بخش اول: مفاهیم

بند اول: بدهی، دین، سند، اسناد تجاری و اوراق بهادار

بدهی به میزانی از مجموعه پرداخت‌های معوقه، منابع مالی و هر نوع تعهدات مالی (ناشی از وام‌ها، اعتبارات، صندوق‌های پس‌انداز و سایر تعهدات مالی) یا غیر مالی (مثل بدهی مالیاتی) اشاره دارد که یک فرد یا سازمان به دیگری بدهکار است در حالی که دین به تعهدات مالی (معمولاً نقدی)، قرارداد یا نوعی بدهی کوتاه مدت (معمولاً یکساله) اشاره دارد که یک فرد یا سازمان نسبت به دیگری دارد و معمولاً با توافقات و قراردادهای حقوقی و رسمی تر و شرایط دقیق تری نظیر نرخ بهره، زمان پرداخت، تضمینات و شرایط دیگر همراه

است و می تواند به صورت سند قابل انتقال و به صورت پرداخت های مالی، تسویه حساب ها یا تعهدات دیگر در زمان های مشخص صورت می گیرد (کیتز و مورفی^۱، ۲۰۱۹). در ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی آمده است: "سند عبارت از هر نوشته ای است که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد". سند تجاری سندی است که در راس موعد نزدیک یا در مدت کوتاه و محدود استفاده می شود و در معنای عام، شامل هر سندی از جمله ضمانت نامه بانکی، بارنامه حمل کالا و سیاهه تجاری، سفته، چک، قبض انبار عمومی، سهام شرکت ها، اوراق قرضه و سایر اوراق بهادار می باشد که در مبادلات بازرگانی، یعنی مبادلات ناشی از اعمال تجاری موضوع مواد ۲ تا ۵ قانون تجارت مصوب سال ۱۳۱۱ مورد استفاده قرار گرفته است. در معنای خاص منظور از اسناد تجاری، اسنادی است که معرف کارکرد اصلی خود هستند یا به عبارتی جانشین پول نقد در معاملات می گردند و معرف دینی حال یا با وعده می باشند. اسناد تجاری بر خلاف اسناد عادی که فاقد شکل ظاهری خاصی در قانون هستند، باید به ترتیبی باشند که در قانون برای آن ها در نظر گرفته شده است. در عین حال اسناد تجاری اسنادی دارای امتیاز رسمی هستند اما سند رسمی محسوب نمی شوند بطوریکه مانند اسناد رسمی در دفاتر اسناد رسمی تنظیم نمی شوند بلکه توسط افراد عادی تنظیم می شوند و دارای مشخصات خاص هستند از جمله در آن ها مبلغ طلب درج شده است - دارای وصف تجریدی بوده و صادر کننده نمی تواند از پرداخت آن به استناد مواردی از جمله عدم آگاهی، امتناع کند - دارای قابلیت نقل و انتقال به دیگری هستند - امضا کنندگان آن ها مسئولیت تضامنی دارند و دارنده سند می تواند برای درخواست دریافت میزان طلب خود، به هریک از چرخه های انتقال یا به همه آن ها مراجعه نماید - دارنده سند می تواند برای اقامه دعوی به هر کدام از دادگاه های واقع در محل صدور سند و یا در محل به اجرا گذاشتن آن رجوع نماید - اگر دارنده سند در مهلت قانونی بابت عدم پرداخت سند تجاری اش اقامه دعوی کند، می تواند طی تقاضای صدور قرار تامین خواسته، توقیف

^۱ Keitz & Murphy

اموال بدهکار را درخواست نماید و در این خصوص امتیازی که اسناد تجاری نسبت به اسناد عادی دارند این است که در صورت اقامه دعوی در مهلت قانونی، دادگاه بدون درخواست خسارت احتمالی از طلبکار، قرار تامین خواسته و توقیف اموال را صادر می کند. اسناد تجاری دو نوعند. نوع اول که حقیقتاً صاحب سفته به موجب آن طلبکار است، جایز است که طلب مدت دار خود را که ذمه بدهکار دارد، به مبلغ کمتری به وجه نقد به بانک یا شخص دیگری بفروشد به جای آن صاحب سفته، خریدار آن طلبکار می شود ولی فروختن آن به طور نسیه و به مدت؛ بنابر احتیاط واجب جایز نیست، چون شامل فروش بدهی به بدهی می باشد و نوع دوم که سفته صوری بوده و جایز نیست صاحب سفته آن را به دیگری بفروشد، چون در واقع طلبی در ذم امضاء کننده آن سفته ندارد بلکه این سفته به این منظور صادر شده که صاحب سفته و کسی که به حواله کرد او می باشد بتواند از آن استفاده کرده و با کم کردن مقداری از مبلغ به دیگری بفروشد و لذا این نوع سفته ها، سفته صوری و مجامله ای گفته می شود و فروختن آن به بانک در واقع قرض کردن بانک است بعهده امضاء کننده آن با ذمه او طلبی ندارد و مبلغی که بانک بابت مدت آن سفته کم می کند، ربا و حرام است. بنابراین می توان گفت اگر سفته حقیقی باشد بیع آن به وجه نقد جایز است ولی در صورتی که بطور نسیه فروخته شود جایز نیست چون فروش دین به دین می باشد و در صورتی که سفته صوری باشد نمی توان آن را به بانک فروخت چون حکم قرض کردن ربوی را دارد (حیدری اژدر و حسینی، ۱۳۹۹).

اوراق بهادار از دیگر مستندات متضمن حقوق مالی با قابلیت نقل و انتقال این حقوق، به شمار می روند و جایگاه ویژه حساب های دریافتنی در ترازنامه شرکت ها ذیل دارایی های جاری به لحاظ بیشترین قدرت نقدشوندگی و تبدیل آن ها به اوراق بهادار و توان تبدیل شدن به پول نقد در جریان عادی عملیات شرکت طی یک سال، ویژگی خاصی است که سبب شده تا محققان تمرکز مطالعات خود را برای تبدیل دارایی ها به اوراق بهادار، روی دارایی های جاری بگذارند (مناجاتی، ۱۳۹۰). دولت می تواند با انتشار اوراق، نقدینگی را

در جامعه جمع آوری نموده و با سوق دادن آن ها به سمت فعالیت های مولد، زمینه تولید بیشتر و اشتغال گسترده تر را فراهم آورد (قادری و ایزدی، ۱۳۹۶). از ابزارهای مالی با سابقه در این خصوص می توان به اوراق قرضه اشاره نمود. این اوراق بهادار اسنادی هستند که طبق آن صادرکننده آن به خریدار بدهکار می شود. این اسناد دارای سررسید بوده و مبلغ آن در زمان سررسید به وسیله صادرکننده پرداخت می شود و دارای برگه بهره بوده و بهره آن در فواصل زمانی معین به وسیله بانکی که نمایندگی صدور اوراق را دارد، پرداخت می شود. انتشار اوراق قرضه یکی از روش های تأمین مالی در کوتاه مدت یا بلند مدت محسوب می شود. این اوراق را می توان به صورت بی نام یا با نام و بدون وثیقه یا با وثیقه منتشر کرد. مباحث زیادی درباره اینکه آیا بهره اوراق قرضه از مصادیق ربا به شمار می رود یا خیر و یا اینکه آیا همه انواع اوراق قرضه حکم ثابتی دارند یا خیر، مطرح است. اما ضرورت داشت تا به جواب رسیدن کامل این موضوعات، ابزارهای جایگزین اوراق قرضه طراحی شود و مورد استفاده قرار گیرد. که به این موضوع در مباحث انتهایی این پژوهش بویژه بخش ابزارهای تأمین مالی اشاره شده است. استفاده از ابزارهای نوین و کارا، جهت تأمین مالی بنگاه های اقتصادی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار می باشد. از آنجایی که عمده ابزارهای نوین تأمین مالی از طریق بازارهای مالی عرضه و منتشر می شوند، لذا در به گردش درآوردن چرخ های پیشرفت اقتصادی نقش مهمی را ایفا می کنند. به این صورت که توسعه و عملکرد صحیح آن ها می تواند اثرات قابل ملاحظه ای را بر توسعه بازارهای مالی و رشد اقتصادی داشته باشد (حقیقی و مومنی نژاد، ۱۳۹۵). در ادامه این پژوهش مقصود از بکارگیری واژه دین صرفا تعهدات مالی ناشی از یک معامله تجاری حقیقی می باشد که از طریق اسناد یا اوراق بین طرفین معامله تعهد شده است و فعالیت تجاری متعهد یا متعهدین اسناد تجاری را توجیه نماید، بطوریکه عمل تجاری که منتج به حصول اسناد تجاری گردیده، در رابطه مستقیم با فعالیت اصلی واگذارنده و متعهد بوده و نمایانگر ارتباط شغلی و تجاری آن ها باشد و میزان دین، مبلغ اسمی رقمی می باشد که در متن اسناد و

اوراق تجاری ذکر گردیده است.

اوراق بهادار از دیگر مستندات متضمن حقوق مالی با قابلیت نقل و انتقال این حقوق، به شمار می روند و جایگاه ویژه حساب های دریافتنی در ترازنامه شرکت ها ذیل دارایی های جاری به لحاظ بیشترین قدرت نقدشوندگی و تبدیل آن ها به اوراق بهادار و توان تبدیل شدن به پول نقد در جریان عادی عملیات شرکت طی یک سال، ویژگی خاصی است که سبب شده تا محققان تمرکز مطالعات خود را برای تبدیل دارایی ها به اوراق بهادار، روی دارایی های جاری بگذارند (مناجاتی، ۱۳۹۰). دولت می تواند با انتشار اوراق، نقدینگی را در جامعه جمع آوری نموده و با سوق دادن آن ها به سمت فعالیت های مولد، زمینه تولید بیشتر و اشتغال گسترده تر را فراهم آورد (قادری و ایزدی، ۱۳۹۶). از ابزارهای مالی با سابقه در این خصوص می توان به اوراق قرضه اشاره نمود. این اوراق بهادار اسنادی هستند که طبق آن صادرکننده آن به خریدار بدهکار می شود. این اسناد دارای سررسید بوده و مبلغ آن در زمان سررسید به وسیله صادرکننده پرداخت می شود و دارای برگه بهره بوده و بهره آن در فواصل زمانی معین به وسیله بانکی که نمایندگی صدور اوراق را دارد، پرداخت می شود. انتشار اوراق قرضه یکی از روش های تأمین مالی در کوتاه مدت یا بلند مدت محسوب می شود. این اوراق را می توان به صورت بی نام یا با نام و بدون وثیقه یا با وثیقه منتشر کرد. مباحث زیادی درباره اینکه آیا بهره اوراق قرضه از مصادیق ربا به شمار می رود یا خیر و یا اینکه آیا همه انواع اوراق قرضه حکم ثابتی دارند یا خیر، مطرح است. اما ضرورت داشت تا به جواب رسیدن کامل این موضوعات، ابزارهای جایگزین اوراق قرضه طراحی شود و مورد استفاده قرار گیرد. که به این موضوع در مباحث انتهایی این پژوهش بویژه بخش ابزارهای تأمین مالی اشاره شده است. استفاده از ابزارهای نوین و کارا، جهت تأمین مالی بنگاه های اقتصادی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار می باشد. از آنجایی که عمده ابزارهای نوین تأمین مالی از طریق بازارهای مالی عرضه و منتشر می شوند، لذا در به گردش درآوردن چرخ های پیشرفت اقتصادی نقش مهمی را ایفا می کنند. به این صورت که توسعه و

عملکرد صحیح آن‌ها می‌تواند اثرات قابل ملاحظه‌ای را بر توسعه بازارهای مالی و رشد اقتصادی داشته باشد (حقیقی و مومنی نژاد، ۱۳۹۵). در ادامه این پژوهش مقصود از بکارگیری واژه دین صرفاً تعهدات مالی ناشی از یک معامله تجاری حقیقی می‌باشد که از طریق اسناد یا اوراق بین طرفین معامله تعهد شده است و فعالیت تجاری متعهد یا متعهدین اسناد تجاری را توجیه نماید، بطوریکه عمل تجاری که منتج به حصول اسناد تجاری گردیده، در رابطه مستقیم با فعالیت اصلی واگذارنده و متعهد بوده و نمایانگر ارتباط شغلی و تجاری آن‌ها باشد و میزان دین، مبلغ اسمی رقمی می‌باشد که در متن اسناد و اوراق تجاری ذکر گردیده است.

بند دوم: تنزیل و بیع دین

تنزیل از ریشه «نزل» به معنی پایین آوردن، کاستن و جایگزین کردن می‌باشد و در لغت به معنای فرود آمدن چیزی از بالا به پایین آمده است (بستانی^۱، ۱۳۷۶). همچنین به سودی که به پول وام تعلق می‌گیرد و یا پولی که برای پرداخت وجه برات یا سفته قبل از سررسید کسر کنند، تنزیل یا نزول می‌گویند. تنزیل در اقتصاد و نظام بانکی نیز کم و بیش در همین معنی اخیر به کار رفته و عبارت است از "معامله و فروش حق دریافت مبلغ مدتدار، در مقابل مبلغی کمتر و نقد" و به مابه التفاوت دو مبلغ را نزول می‌گویند (حسن عبدالله، ۱۳۶۷). در حقیقت می‌توان گفت، تنزیل فرآیندی عکس بهره است (مبین و امیرحسینی، ۱۳۹۴). در تعیین ماهیت فقهی و حقوقی تنزیل دو نظریه وجود دارد؛ نظریه اول استقراض همراه با حواله: که مطابق این نظریه، تنزیل کننده سند، مبلغ معینی را از بانک قرض می‌کند سپس بانک را برای گرفتن اصل و بهره قرض به شخص دیگری (صاحب سند تجاری) حواله می‌دهد. در ضمن متعهد می‌شود که اگر وی از پرداختن آن خودداری کند، بانک حق مراجعه به تنزیل کننده را خواهد داشت و دوم فروش بدهی همراه با ضمانت: مطابق این نظریه، تنزیل کننده دینی را که مطابق سند تجاری از کسی طلب دارد

^۱ المنجد الایجدی تالیف فوادافرم بستانی، ترجمه رضا مهیار (۱۳۷۶)

به کمتر از مبلغ اسمی آن به بانک می فروشد و با امضاء پشت آن متعهد می شود اگر وی بدهی را در سررسید مقرر نپردازد تنزیل کننده خود خواهد پرداخت. اگر تنزیل قرض را قرض همراه حواله بدانیم ماهیت تنزیل قرض ربوی خواهد بود که به اتفاق فقها حرام و ممنوع است اما اگر از باب فروش دین بدانیم محل اختلاف است (ولی زاده و صفرخانی، ۱۳۹۱). در عمل بیع دین از منظر اقتصادی و بانکداری، همان تنزیل اسناد و اوراق تجاری است. لذا تنزیل عبارت است از نقد کردن مدت دار در معاملات تجاری خصوصاً در معاملات عمده فروشی. گاهی خریدار توان پرداخت نقدی قیمت کالای خریداری شده را ندارد در این صورت فروشنده در مقابل فروش نسیه کالا، اسناد تجاری مدتدار از خریدار می گیرد. حال اگر فروشنده به هر دلیلی زودتر از موقع مقرر بخواهد به وجه نقد دست یابد می تواند با مراجعه به بانک و کم کردن مقداری از وجه آن، سند مذکور را تنزیل کرده و به پول نقد تبدیل کند. مبلغ کم شده که به آن، نزول میگویند سود بانک از این معامله است که متناسب با نرخ بهره بازار و مدت زمان باقی مانده تا سررسید سند می باشد. متقاضی هنگام تنزیل، پشت سند را امضاء می کند که اگر بانک در سررسید معین نتواند وجه سند را وصول کند آن را از تنزیل کننده بگیرد. حقوق دانان نیز تعریف مشابهی از تنزیل ارائه داده و با تخصیص آن به اسناد تجاری معتقدند تنزیل به عمل فروش نقدی اسناد و اوراق تجاری معرف طلب (دین) پولی مدتدار، با سررسید کوتاه مدت (معمولاً کمتر از یکسال)، پیش از سررسید، به قیمت کمتر از مبلغ اسمی اطلاق میشود (ستوده تهرانی^۱، ۱۴۰۲). فقه اسلامی نسبت به اصول حقوقی دیدگاه متفاوتی نسبت به دین و خرید و فروش آن دارد. دین به یک مال اعتباری ثابت در ذمه شخص مدیون اطلاق می گردد و اکثر علمای امامیه فروش آن را اعم از این که حال و یا مؤجل باشد به شخص مدیون و نیز به اشخاص ثالث به شرط پرهیز از ربا و نیز رعایت مقررات بیع صرف مجاز می شمارند و تنها عده خیلی از فقها آن را به شخص ثالث مجاز نمی شمارند و بیع دین به فردی غیر از بدهکار نیز مورد قبول اکثر

^۱ حقوق تجارت، جلد اول، صفحه ۳

فقه‌های متقدم و متأخر و معاصر است که البته برای صحت آن شرایطی مطرح شده است. معامله دین به مبلغ کمتر به خود شخص متعهد اشکال ندارد؛ یعنی طلبکار می‌تواند قبل از سررسید، طلب خود را به مبلغ کمتری به خود بدهکار بفروشد و در واقع از بخشی از طلب خود در مقابل اینکه آن را زودتر دریافت می‌کند، بگذرد (اوناق^۱، ۲۰۱۳). لذا اگر دین را به عنوان کلی در ذمه قلمداد کنیم می‌تواند موضوع عقد بیع قرار گیرد و می‌توان آن را به عنوان عقد بیع پذیرفت که در آن دین یعنی طلب را مورد معامله قرار می‌دهد. لیکن در اینکه مراد فروش کلی در ذمه در برابر کلی ذمه ای است که هر دو پیش از عقد به سببی دیگر بر ذمه آمده باشند یا شامل بیع کلی که به سبب عقد بیع بر ذمه آمده نیز می‌شود، اختلاف است (نجفی^۲، ۱۳۹۲) از بررسی تنزیل اسناد تجاری و طرح صحت آن از منظر فقهی از گذشته تا کنون ایجاب تعاملات اقتصادی ایجاب تنزیل اسناد تجاری و صحت آن از دیدگاه فقهی قابل استنباط است (هجینی نژاد و دیگران، ۱۳۹۵).

بخش دوم: خرید دین

بند اول: تنزیل (خرید دین)

برخی حقوق دانان در حوزه حقوق بانکی، تنزیل را مترادف خرید دین دانسته و آن را چنین تعریف نموده‌اند: خرید دین یا تنزیل به این معناست که بانک، اسناد و اوراق بهاداری را که حکایت از بدهی ناشی از معاملات تجاری دارند، اما مدتدار هستند با پرداخت مبلغی کمتر از مبلغ اسمی آنها خریداری کند (السان، ۱۳۹۱). بر این اساس واژه رایج تنزیل در سیستم بانکی در فقه اسلامی نیز زیر مجموعه خرید دین محسوب می‌شود و مقصود از تنزیل به عنوان یکی از مصادیق خرید دین می‌باشد که در ادبیات تخصصی با عنوان خرید دین پولی شناخته می‌شود و در حقوق بانکی در قالب تنزیل اوراق مشارکت رهنی و اعتبارات اسنادی و بروات و اسناد تجاری و ... برای تامین اعتبار توسط تجار مورد استفاده قرار می‌گیرد البته

^۱ Ounagh

^۲ جواهر الکلام، جلد ۲۴، صفحات ۳۴۴-۳۴۶

میان بیع دین و تنزیل به معنای خاص کلمه تفاوت هایی وجود دارد. اولاً در بیع دین، فقط عقد بیع مطرح است ولی در تنزیل، می توان از عقود دیگری مثل صلح بهره گرفت و دوماً به طور معمول تنزیل فقط در بدهی پولی مطرح است ولی خرید دین در کالاها هم می تواند مطرح باشد، به طور مثال می توان موردی را در نظر گرفت که شرکت یا موسسه ای بخشی از محصولات خود را که قرار است پیمانکار برای او بسازد، به طور کلی می فروشد که در آینده تحویل دهد (کریمی گلنار و شیر، ۱۳۹۵). عقد بیع از عقود معین است که قرارداد، با ایجاب و قبول فروشنده و مشتری منعقد می شود و به مجرد وقوع آن، مشتری، مالک مبیع و فروشنده، مالک ثمن می گردد. لذا بیع دین، یک نوع مبادله خاص است. دین در عمل به صورت صکوک، اوراق قرضه، برگه های پاسخگویی و دیگر ابزارهای مشابه صادر می شود و با بهره ای که برای دارنده آن تعیین می شود، به فروش می رسد (میشکین^۱ و ایکینز^۲، ۲۰۱۵). با این توضیحات خرید دین قراردادی است که به موجب آن دین مدت دار بدهکار به کمتر از مبلغ اسمی آن به صورت نقدی از وی خریداری می شود. خرید دین می تواند توسط مدیون یا شخص ثالث صورت پذیرد (ملا کریمی، ۱۳۹۰). لذا در خرید دین (تنزیل اسناد تجاری) مبلغ قابل پرداخت که خریدار باید به مشتری بابت خریداری اسناد بپردازد و یا میزان تسهیلات اعطائی بانک به مشتری (PV^۳) در قالب عقد خرید دین از طریق کسر مبلغ سود مورد انتظار (EP^۴) که همان مبلغ تنزیل شده است از مبلغ اسمی اسناد (FV^۵) بدست می آید:

$$PV = FV - EP$$

از طرفی با یک محاسبه ساده می توان میزان سود مورد انتظار (EP) را از طریق

^۱ Mishkin

^۲ Eakins

^۳ Present Value

^۴ Expected Profit

^۵ Future Value

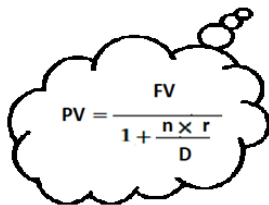
حاصل ضرب نرخ سود مصوب شورای پول و اعتبار بانک مرکزی (r^1) و مبلغ قابل پرداخت خریدار به مشتری بابت خریداری اسناد یا میزان تسهیلات اعطائی بانک به مشتری (PV) و تعداد روزهای باقیمانده تا سررسید اسناد تجاری (n^2) به نسبت تعداد روزهای سال جاری (D^3) بدست آورد:

$$EP = \frac{PV \times n \times r}{D}$$

حال با جایگذاری میزان سود مورد انتظار (EP) در فرمول محاسبه مبلغ قابل پرداخت خریدار به مشتری بابت خریداری اسناد یا میزان تسهیلات اعطائی بانک به مشتری (PV)، خواهیم داشت:

$$PV = FV - \frac{PV \times n \times r}{D} \Rightarrow FV = PV + \frac{PV \times n \times r}{D} \Rightarrow FV = PV \times \left(1 + \frac{n \times r}{D}\right)$$

در نهایت فرمول محاسبه مبلغ قابل پرداخت خریدار به مشتری بابت خریداری اسناد و یا میزان تسهیلات اعطائی بانک به مشتری در قبال تنزیل اسناد تجاری به شرح ذیل می باشد:



$$PV = \frac{FV}{1 + \frac{n \times r}{D}}$$

تداوم فعالیت های اقتصادی، در گروی دسترسی به منابع مالی به هنگام و کافی جهت تأمین سرمایه در گردش بنگاه های اقتصادی است و هرگونه تصمیمی در این بخش اثرات

¹ Rate of interest (percentage / ۱۰۰)

² Number of time the amount is compounding

³ Days of current year = ۳۶۵ or ۳۶۶

قابل توجهی بر بازده عملیاتی واحد تجاری می گذارد و منجر به تغییر ارزش شرکت و ثروت سهامداران می شود (احمدی و دژدار، ۱۳۹۵). و با توجه به اینکه عقد خرید دین یکی از ابزارهای مالی و منبع تأمین اعتبار در حقوق بانکی به شمار می رود، لذا جهت احراز رابطه حقوقی انواع وام ها و معاملات واگذاری وام به وام گیرنده و ماهیت حقوقی سود به نظر می رسد بهترین راه حل عقد خرید دین و انعقاد بعضی از قراردادهای بانکی در قالب عقد خرید دین است. برخی از مصادیق خرید دین عبارت اند از: قراردادهای اعتباری یا سپرده ها، وام های بانکی و قرارداد و کارت های اعتباری (قاسم زاده و فلاح نژاد، ۱۳۹۷). همانطور که پیش از این گفته شد در این خصوص بانک مبلغی را براساس عقد قرض به شخصی قرض می دهد و او هم به واسطه این قرض، مدیون بانک می شود. حال بانک این دین را به قیمت بیشتر به خود مدیون، اما به صورت مدت دار و به طور اقساطی می فروشد. درمورد سود متعلق به سپرده های بانکی نیز بانک در نتیجه سپرده گذاری اشخاص به ایشان مدیون شده و در قالب عقد خرید دین، دین خویش را به مبلغ بیشتر از آن ها خریداری می کند و به صورت اقساط به ایشان می پردازد. این دو قرارداد بر پایه خرید دین یکبار از مشتری و در وهله دوم از سوی بانک شکل می گیرد (قاسم زاده، ۱۳۹۱).

تارنمای بانک مرکزی^۱ در زیر منوی صفحه اصلی مربوط به قوانین و مقررات <بخشنامه ها، دستورالعمل اجرایی عقد خرید دین را که در ۱۲ ماده و ۲ تبصره در یکپزار و یکصد و بیست و هشتمین جلسه مورخ ۱۳۹۰/۰۵/۲۵ شورای پول و اعتبار به تصویب رسیده، به شرح ذیل منتشر نموده است:

ماده ۱. خرید دین قراردادی است که به موجب آن شخص ثالثی، دین مدت دار بدهکار را به کمتر از مبلغ اسمی آن به صورت نقدی از داین خریداری می کند.

تبصره: مبلغ اسمی رقمی است که در متن اسناد و اوراق تجاری ذکر گردیده و حاکی از میزان دین می باشد. ماده ۲ بانک ها می توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت تمامی

^۱ <https://www.cbi.ir>

بخش های اقتصادی، دیون موضوع اسناد و اوراق تجاری مد تدار متقاضیان را خریداری نمایند.

ماده ۳. اسناد و اوراق تجاری به آن دسته از اسناد و اوراق بهادار اطلاق می گردد که مفاد آن حاکی از طلب حقیقی متقاضی باشد.

ماده ۴. بانک ها موظفند قبل از خرید دین موضوع اسناد و اوراق تجاری، از حقیقی بودن دین و نقد شوندگی آن در سررسید، اطمینان حاصل نمایند.

ماده ۵ بانک ها مکلفند قبل از خرید دین موضوع اسناد و اوراق تجاری، از معتبر بودن متعهد دین اطمینان حاصل کنند.

ماده ۶ خرید دین موضوع اسناد و اوراق تجاری توسط بانک ها در صورتی مجاز است که سررسید این قبیل اسناد و اوراق تجاری از یک سال تجاوز ننماید.

تبصره: بانک ها در موارد خاص و با موافقت هیات مدیره خود، مجاز به خرید دین موضوع اسناد و اوراق تجاری با سررسید حداکثر تا دو سال می باشند.

ماده ۷. بانک ها می توانند ضمن تنظیم قرارداد خرید دین، فروشنده دین را متعهد کنند که هرگاه مدیون در سررسید نسبت به پرداخت دین اقدام ننماید، وی متعهد به پرداخت آن باشد.

ماده ۸. در صورت تقاضای متقاضی، بانک ها می توانند اسناد و اوراق تجاری خریداری شده را به صورت نقدی به وی به فروش رسانند.

ماده ۹. بانک مرکزی می تواند عنداللزوم، اسناد و اوراق تجاری خریداری شده توسط بانک ها را به صورت نقدی خریداری نماید.

ماده ۱۰. بانک ها می توانند هنگام انعقاد عقد خرید دین، جهت اطمینان از وصول دین موضوع اسناد و اوراق تجاری ارائه شده توسط متقاضی، مبادرت به اخذ تضامین لازم نمایند.

ماده ۱۱. بانک ها می توانند ترتیبی اتخاذ نمایند تا در صورت لزوم مطالبات خود از این بابت را بیمه نمایند.

ماده ۱۲. بانک ها مکلفند در عقد خرید دین قید نمایند که قرارداد مذکور براساس توافق طرفین در حکم اسناد لازم الاجرا و تابع آیین نامه اجرای اسناد رسمی می باشد.

بند دوم: خرید دین (اعتبار در حساب جاری)

در سیستم بانکداری ایران، یکی از ابزارهای تامین مالی خرید دین (اعتبار در حساب جاری) می باشد و شرایط به این گونه است که مشتری شناخته شده و دارای حساب جاری فعال از بانک تقاضا می نماید چنانچه در مقاطع کوتاه مدت قادر به تکمیل موجودی حساب برای پرداخت چک های صادره نبود، بانک با واریز وجه به حساب او مانع از عدم پرداخت چک های وی شود. با توجه به اینکه در این حالت چک ها به قبض بانک داده نمی شود، لذا به نوعی، اعتبار در حساب جاری محسوب می شود که از طریق خرید دین چک های واگذاری تولیدکنندگان صورت می گیرد. رابطه بین خدمت اعتبار در حساب جاری و تسهیلات خرید دین رابطه عموم و خصوص مطلق است و اعتبار در حساب جاری لزوماً در قالب خرید دین صورت می گیرد. اما خرید دین برای مواردی خارج از اعتبار در حساب جاری نیز امکان پذیر است. در عمل با وجود تجویز قانونی استفاده از اعتبار در حساب جاری، بانک ها بنابه دلایل زیر تمایلی به این امر نداشتند. قبل از اصلاحیه ۱۳۹۷ قانون چک، به دلیل عدم امکان شناسایی ارائه دهندگان چک و عدم قبض و اقباض چک، بانک ها با نگرانی خدمت مزبور را ارائه می دادند. نظر به اینکه در صورت عدم تحقق دین، عقد بیع به لحاظ فقدان مبیع باطل است، لذا صدور چک قابل احراز نبوده تا خرید دین محقق گردد و برخی بانک ها با این استدلال که مشتری به بانک وکالت می دهد تا نسبت به خرید اسناد به نحو اشاعه اقدام کند و بانک با پرداخت وجه چک های ارائه شده به همان میزان مشاعاً مالک چک ها می گردد، اقدام به خرید دین می نمودند که در حال حاضر با اصلاح قانون چک این امکان فراهم گردید تا بانک ها با کنترل سامانه صیاد و اطمینان از صدور چک و تحقق دین (مبیع)، اقدام به خرید آن نمایند. سابقاً در این نوع خدمت، بانک ها سقف اعتباری مشخصی را برای مشتری در نظر می گرفتند تا چک های صادره تا آن سقف قاب تنزیل باشند، اما

ایزاری برای تعیین این سقف و مدت وجود نداشت. با اصلاحیه اخیر، این امکان فراهم می گردد تا بانک ها با کنترل سامانه صیاد از تعداد چک های صادره از سوی مشتری و ارقام و سررسید آنها اطمینان حاصل کنند و مبنای مشخصی را برای تعیین مبلغ و مدت قرارداد خرید دین داشته باشند، ضمن اینکه سود بانک بر مبنای زمان سررسید چک ها و زمان تنظیم قرارداد خرید دین به راحتی قابل محاسبه است؛ در صورتی که تا قبل از اصلاحیه اخیر این امکان وجود نداشت (هجینی نژاد و گنج بخش، ۱۴۰۱).

تارنمای بانک مرکزی^۱ در زیر منوی صفحه اصلی مربوط به قوانین و مقررات < بخشنامه ها، "دستورالعمل اجرایی اعتبار در حساب جاری در قالب خرید دین" را که در یک هزار و شصت و هشتمین جلسه مورخ ۱۳۸۵/۰۶/۰۴ شورای محترم پول و اعتبار به تصویب رسیده، به شرح ذیل منتشر نموده است: ۱- بانک ها حسب تقاضا برای مشتریان خود، با توجه به توان مالی و اعتبارسنجی انجام شده در مورد آنان، حد اعتباری مشخصی را براساس ضوابط و مقررات ذیربط تعیین می نمایند. ۲- تسهیلات اعطایی در چارچوب حد اعتباری فوق، در قالب عقد خرید دین و پس از احراز حقیقی بودن دین توسط بانک انجام می شود و به دفعات قابل استفاده است. این تسهیلات قابل اعطا به واحدهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی می باشد. ۳- تسهیلات مذکور برای تامین نیازهای مالی کوتاه مدت (حداکثر یکساله) متقاضیان می باشد که با خرید دین ناشی از اسناد و اوراق تجاری مورد قبول و تودיעی نزد بانک، و واریز وجوه مربوط به حسابجاری مشتریان اعطا می گردد. ۴- قبل از اخذ و نگهداری اسناد و اوراق تجاری موضوع این دستورالعمل، لازم است بانک قراردادی را با مشتری منعقد نماید که بر مبنای آن وکالت در خرید دین ناشی از اسناد مزبور به نحو اشاعه و وکالت در وصول آنها به بانک داده شده باشد. ۵- حداکثر تا حد اعتباری موضوع بند ۱، بانک براساس قرارداد منعقد دین ناشی از اسناد و اوراق تجاری اخذ شده را بر مبنای قیمت روز خریداری نموده و به طور همزمان مبلغ خرید را به حساب جاری مشتری واریز می کند

^۱ <https://www.cbi.ir>

تا امکان تامین کسری مبلغ چک، فراهم شود. از آن پس بانک مالک مشاعی اوراق مزبور به نسبت مبلغ پرداخت شده و قیمت کل در تاریخ خرید می گردد. ۶ - در تاریخ سررسید اسناد و اوراق تجاری، وجوه حاصله به نسبت سهم مشاعی طرفین، بین آنان تقسیم می گردد. ضمناً در هر تاریخی مقدم بر تاریخ سررسید اسناد و اوراق تجاری، چنانچه مشتری نسبت به پرداخت هر میزان از سهم مشاعی بانک از اسناد و اوراق تجاری اقدام نماید، قیمت روز اسناد براساس نرخ های جاری و مورد عمل بانک محاسبه شده و از مالکیت مشاعی بانک به همان میزان کاسته و مشتری مجدداً " مالک آن قسمت می گردد. ۷ - چنانچه اوراق خریداری شده تا تاریخ سررسید در مالکیت بانک بماند، بانک به نسبت سهم مشاعی خود از اوراق، سود حاصله را شناسایی و در دفاتر ثبت می کند. فروش دین ناشی از اوراق به مشتری قبل از سررسید براساس قیمت روز فروش انجام می شود و سود و زیان حاصله با توجه به قیمت خرید و قیمت فروش و همچنین درصد مالکیت بانک تعیین و در حسا بها منظور می گردد. ۸ - نحوه حسابداری عملیات موضوع این دستورالعمل، مطابق با حسابداری معمول خرید دین در بانک ها است.

بند سوم: تنزیل مجدد

تنزیل مجدد، سطح دیگری از عملیات خرید دین است که بین بانک ها و بانک مرکزی اتفاق می افتد، در این عملیات بانک ها، سفته های تنزیلی خود را نزد بانک مرکزی تنزیل می کنند یعنی به میزان سفته های تنزیلی از بانک مرکزی پول یا اعتبار دریافت می نمایند (موسویان، ۱۳۷۷). بانک ها هرگاه به ذخایر پولی نیاز پیدا کنند، این اسناد را نزد بانک مرکزی، تنزیل مجدد می نمایند (سلطانی، ۱۳۸۱). امروزه سیاست پولی بانک مرکزی (کنترل و تعدیل حجم اعتبارات) با توجه به احتیاج واقعی اقتصاد، از مهم ترین وظایف بانک مرکزی شناخته می شود و تنزیل مجدد یکی از ابزارهای متداول این کار است. در تنزیل مجدد اوراق و اسناد بهادار که توسط دارندگان آن با نرخ بهره متداول بانکی نزد بانک های تجاری تنزیل شده اند، برای بار دوم با نرخی که تحت عنوان تنزیل مجدد توسط بانک

مرکزی تعیین می‌شود، از سوی بانک‌های تجاری نزد بانک مرکزی تنزیل می‌شوند. تعیین و تغییر نرخ تنزیل مجدد از ابزارهای مهم سیاست پولی است و بانک مرکزی از این راه حجم پول در گردش و اعتبارات را کنترل می‌کند (مریدی و نوروزی، ۱۳۷۳). در دستورالعمل اجرایی عقد خرید دین، دو ماده به خرید دین مجدد اختصاص داده شده است؛ خرید دین مجدد از سوی بانک مرکزی و خرید دین مجدد توسط فروشنده (دائن). در خرید دین مجدد از سوی بانک مرکزی، با توجه به اینکه یکی از منابع تأمین اعتبار بانک‌ها، تنزیل اسناد تجاری است، بانک‌های تجاری اوراق تجاری مذکور را نزد بانک مرکزی تنزیل می‌کنند که به این عمل، تنزیل مجدد یا تنزیل اتکایی می‌گویند. درواقع بانک مرکزی با تنزیل مجدد اوراق تجاری، به نقدینگی و قدرت مالی بانک‌های تجاری می‌افزاید. در تنزیل مجدد این گونه نیست که واقعاً بانک تجاری، اسناد را پشت نویسی کند و به بانک مرکزی بفروشد و بانک مرکزی در سررسید سراغ بدهکار برود و در صورت وصول نشدن به بانک تجاری مراجعه کند. بلکه روش کار به این صورت است که شعبه مرکزی هر بانکی با گرفتن اطلاعات اسناد تنزیلی شعب خود، به بانک مرکزی اطلاع می‌دهد که به ارزش فلان مبلغ، اسناد تجاری تنزیلی در اختیار دارد و بانک مرکزی به اعتماد آن اسناد به بانک مذکور اعتباری اختصاص می‌دهد که به آن تنزیل مجدد گفته می‌شود. واضح است ماهیت این عملیات قرض بوده و چنانچه بانک مرکزی تصمیم داشته باشد در قبال این قرض مبلغ بیشتری بگیرد، قرض با بهره و ربا خواهد بود، زیرا هیچ گونه خرید و فروش دینی در این جا صورت نمی‌گیرد. لذا به اعتقاد همه مراجع اشکال دارد و قابل عمل در نظام بانکی نیست (موسویان، ۱۳۸۰). این ابزار در بانکداری بدون ربا در قالب عقد خرید دین توجیه می‌شود؛ بدین ترتیب که بانک‌های تجاری، اسناد مشتری‌ان خود را خریداری می‌کنند، سپس به مبلغ بیشتری به بانک مرکزی می‌فروشند و این همان بیع دین است. در خرید دین مجدد توسط فروشنده (دائن) نیز، به موجب ماده ۸ دستورالعمل اجرایی "در صورت تقاضای متقاضی، بانک‌ها می‌توانند اسناد و اوراق تجاری خریداری شده را به صورت نقدی به بانک

به فروش برسانند؛^۱ بنابراین یکی دیگر از راه های جبران ذخایر مالی بانک ها در مواقع ضرورت، خرید دین مجدد اسناد از سوی خودفروشنده است؛ بدین ترتیب که بانک، دینی را که خریده است دوباره به خود دائن می فروشد (قاسم زاده و فلاح نژاد، ۱۳۹۷).

بند چهارم: فاکتورینگ و فورفیتینگ

فاکتورینگ^۱ و فورفیتینگ^۲ از روش های باسابقه مالی در بسیاری از کشورها و از انواع دیگر خرید دین در حقوق تجارت بین الملل و بطور خاص امور بانکی هستند که به موجب آن صادر کننده کالا مطالبات کوتاه مدت (حساب های دریافتنی) خویش را به موسسه مالی و اعتباری انتقال داده تا آن موسسه آن مطالبات را اداره، وصول یا تنزیل نماید. در فاکتورینگ شخص اول صادر کننده یا فروشنده یا ارایه دهنده کالا و خدمات می باشد که فروش یا ارایه خود را بصورت مدتدار انجام داده است. محور اصلی در تامین مالی فاکتورینگ، قراردادی است که بین صادر کننده و شرکت عامل منعقد می شود. از سوی دیگر فورفیتینگ، به تنزیل اسناد تجاری گفته می شود که براساس آن اسناد تجاری مدتدار از قبیل برات، سفته، ضمانت نامه ها و یا اعتبار اسنادی مدتدار در مقابل دریافت نقدی نزد یک موسسه مالی و اعتباری تنزیل می شود پایه قیمت نازل تر و کمتر از قیمت اسمی آن به موسسه مذکور فروخته می شود و این موسسه حق رجوع به طلبکار اولیه را از دست می دهد. البته بعضی نظریه پردازان فورفیتینگ و فاکتورینگ را غیر از هم نمی دانند و فورفیتینگ را ذیل فاکتورینگ در نظر می گیرند اما بعضی دیگر آن دو را غیر از هم قلمداد کرده و معتقدند که فورفیتینگ به همراه فاکتورینگ ابزاری است که توسط آن تامین نقدینگی لازم در کوتاه مدت و میان مدت صورت می گیرد (شیروی، ۱۳۹۰) و (افشار قوچانی، ۱۳۹۸). اصطلاح فورفیتینگ از کلمه فرانسوی "Forfait" به معنای چشم پوشی از حق ناشی می شود و آن را می توان از بسیاری جهات با تخفیف قبوض مقایسه کرد. در فورفیتینگ واگذاری و انتقال

^۱ Factoring

^۲ Forfaiting

مطالبات به ابزاری بدل می‌شود که تمام ساختار قرارداد بر آن قرار می‌گیرد. به این دلیل، بیشتر کشورهای که مقررات خاصی در خصوص فورفیتینگ ندارند، به طور سنتی به قواعد موضوع حاکم بر انتقال طلب متوسل می‌شوند. در متون و نصوص قانونی ایران نیز تصریحی به این نهاد نشده و در فقه نیز مبحث مستقلی به آن اختصاص نیافته است (طبایی و حقیقی، ۱۳۹۶). فاکتورینگ در لغت نامه حقوقی سیاه^۱ مترادف با عملیات فروش حساب های دریافتنی به فاکتور آمده است (گارنر، ۱۳۸۶) و برخی از نویسندگان از فاکتورینگ به عاملیت، کارگزاری وصول مطالبات، انتقال طلب یا "پذیرش مطالبات قراردادی" یاد می‌کنند و برخی نیز آن را مانند فورفیتینگ به فروش مطالبات تعبیر نموده اند (افشار قوچانی، ۱۳۹۸). ممکن است مفهوم عاملیت فاکتورینگ در حقوق ایران با آنچه که گفته شد، متفاوت می باشد، زیرا لفظ عام عاملیت در این مفاهیم مشترک لفظی است نه مشترک معنوی و این دو، اقسام متمایزی از یک معنای کلی نمی باشند و کاملاً از یکدیگر جدا هستند. رابطه عامل و اصیل در مورد نخست به وکالت نزدیک است. عامل به نمایندگی از طرف تاجر معاملات تجاری انجام می دهد؛ ولی در دومی یک نوع انتقال طلب است که عامل از طرف تاجر و به حساب وی معاملات تجاری انجام نمی دهد، بلکه به عنوان منتقل الیه مطالبات تاجر مطرح است. تنها وجه اشتراک این دو نوع عاملیت، قراردادی بودن آنها است (نصیری و ملازهی، ۱۳۹۳). این قرارداد اولین بار به موجب ماده ۸ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی مصوب ۱۳۹۸ به نحو صریح در ادبیات قانون گذاری ایران مطرح و با تصویب آیین نامه اجرایی ماده مزبور در سال ۱۳۹۹، با شرح بیشتری به نظام حقوقی و مالی ایران معرفی گردید (جعفری و امینی، ۱۴۰۱). پیرو بخشنامه شماره ۵۱۷/۲۸۰۵۲ مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۵ بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با موضوع ابلاغ "دستورالعمل ناظر بر پذیرش مطالبات قراردادی (فاکتورینگ)" توسط شبکه بانکی مصوب یکهزار و سیصد و هفتاد و ششمین

^۱ Black's Law Dictionary

جلسه شورای پول و اعتبار مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۰، در راستای اجرای مفاد ماده (۱۵) دستورالعمل مذکور، "شیوه نامه اجرایی پذیرش مطالبات قراردادی (فاکتورینگ)" به منظور تبیین ضوابط و مقررات اجرایی در فرآیند پذیرش مطالبات قراردادی، تدوین و در بیست و هشتمین جلسه مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۸ کمیسیون عملیات پولی و اعتباری بانک مرکزی به تصویب رسید که در تارنمای بانک مرکزی در زیر منوی صفحه اصلی مربوط به قوانین و مقررات < دستورالعمل ها و شیوه نامه ها و بخشنامه ها، منتشر شده است.

جمع بندی و نتیجه گیری

رشد روز افزون فناوری و تغییرات درخشان در صنعت بانکداری و پیشرفت سریع موضوعات مربوط به معاملات تجاری مبتنی بر دیون در سطوح مختلف معاملات تجاری و همچنین گستردگی رویکردهای جدید، نیاز به تلاش در جهت پیاده سازی از طریق تبدیل، ترجمه، نوآوری و یا شخصی سازی آنچه که در سطح دنیا پاسخ گرفته و در حال اجرا است غیر قابل انکار و ضروری بنظر می رسد. بی تردید در کنار توجه به گسترش مواضع و موضوعات مبتنی بر دیون و پیاده سازی آن ها، به خصوص در موارد مسکوت در قانون، مبنای عملکرد آینده نیز می بایست رفع اختلافات، نواقص و کاستی ها از طریق ترجمه مناسب و آگاهانه با تکیه بر دانش و تجربیات اهل فن، مراجعه به عرف تجار در حقوق تجارت بین الملل و در نهایت اطمینان از تطابق آن با مقررات حاکم بر خرید دین در حقوق سنتی، مد نظر قرار گیرد و جایگاه و آینده موضوعات نوین و سنتی معاملات دیون در معاملات تجاری از نقش و اهمیت بی بدیل حوزه نظارت در برقراری نظام های سلامت مستثنی نخواهد بود.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

۱. احمدی، سعید و دژدار محمد مهدی (۱۳۹۵). اوراق خرید دین ابزاری موثر در تامین سرمایه در گردش شرکت ها، تحقیقات مالی - اسلامی، سال پنجم، بهار و تابستان شماره ۲ (پیاپی ۱۰) صفحات: ۱۵۵-۱۹۲.
۲. اسکینی، ربیعا (۱۳۸۴). قانون تجارت (اسکناس، سفته، ضمانت نامه، اوراق حامل و چک)، چاپ نهم، تهران: انتشارات سمت، صفحه: ۱۹.
۳. افشار قوچانی، زهره (۱۳۹۸). بررسی ماهیت فوریتینگ در مقایسه با سایر طرق مالی، مجله پژوهش حقوق خصوصی، شماره ۲۸، صفحات ۳۸ - ۹.
۴. اکبرزاده، معین (۱۳۹۲). مقایسه تطبیقی عقود مبادله‌ای و مشارکتی و شناخت مشکلات و فواید کاربرد آنها در نظام بانکداری اسلامی، نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی؛ دوره ۲، شماره ۴، صفحات: ۱۶۱-۱۹۸.
۵. السان، مصطفی (۱۳۹۱). حقوق بانکی، تهران: انتشارات سمت، صفحه: ۱۳۱.
۶. بستانی، فوادافرام (۱۳۷۶). المنجد الابدی (فرهنگ ابجدی الفبایی عربی - فارسی)، ترجمه رضا مهیار (۱۳۷۶)، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ ۲، صفحه: ۲۶۵.
۷. جعفری، دیبا و امینی، منصور (۱۴۰۱). تأمین مالی از طریق واگذاری مطالبات (فاکتورینگ) در نظام حقوقی ایران، فصل نامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۴۱، صفحات: ۳۹۰-۳۶۱.
۸. حسن عبدالله، امین (۱۳۶۷). سپرده های نقدی و راه های استفاده از آن در اسلام، ترجمه محمد درخشنده، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۹. حقیقی، میثم و مؤمنی‌نژاد، ناهید (۱۳۹۵). تحلیل و رتبه‌بندی روش‌های تأمین مالی بانک‌ها با استفاده از ابزارهای تأمین مالی بازار سرمایه؛ با رویکرد تحلیل

- سلسله مراتبی . نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی؛ دوره ۵ ، شماره ۱۷ ، صفحات: ۷۷-۹۶.
۱۰. حیدری اژدر، علی محمد و حسینی، سید حسن (۱۳۹۹). بررسی ربا از دیدگاه فقه و حقوق ومقایسه آن با تنزیل (بیع دین) با رویکردی بر آرای آیت الله خویی ، نخستین کنفرانس ملی حقوق فقه و فرهنگ، دانشگاه پیام نور استان فارس، صفحات: ۸- ۷ .
۱۱. سایه میری، علی و داب، آسیه و محمدی عسکر آبادی، سمیرا (۱۳۹۳). تحلیلی بر ثبات اقتصادی در بانکداری بدون ربا ، نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی؛ دوره ۳، شماره ۶، صفحات: ۱۰۳-۱۱۶.
۱۲. سلطانی، محمد (۱۳۸۱). قانون بانکداری، چاپ اول، تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان، صفحه: ۲۱۲ .
۱۳. سلطانی، محمد (۱۳۹۰). حقوق بانکی، چاپ اول، تهران: میزان .
۱۴. ستوده تهرانی، حسن (۱۴۰۲). حقوق تجارت، تحقیق و تعلیق: محسن صفری، چاپ سی و هفتم، تهران: انتشارات دادگستر.
۱۵. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۰). حقوق تجارت بین الملل، تهران، سمت، صفحات: ۲۹۷، ۳۰۵.
۱۶. طبایی، سید علی اکبر و حقیقی، سعید (۱۳۹۶). ماهیت قرارداد فورفیتینگ در حقوق ایران و آمریکا، فصل نامه تعالی حقوق، دوره جدید، شماره ۲۱، صفحات: ۱۳۷-۱۰۷
۱۷. فراهانی، سعید (۱۳۸۸)، بررسی فقهی اقتصادی تنزیل مجدد و اوراق قرضه ارائه ابزاری مناسب جهت اجرای سیاست پولی در بانکداری بدون ربا، فصل نامه فقه اهل بیت فارسی، شماره پانزدهم، صفحات: ۶۳-۹۳
۱۸. قادری، جعفر و ایزدی، بهنام (۱۳۹۶) بررسی آثار اقتصادی و مفاهیم فقهی عقود

- سه گانه جدید استصناع، خرید دین و مباحه به عنوان ابزارهای نوین بانکداری اسلامی. نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی؛ دوره ۶، شماره ۲۰، صفحات: ۷۹-۹۷.
۱۹. قاسم زاده، سید مرتضی (۱۳۹۱) ضرورت توجه به تعهدات پولی-اعتبارهای پولی و امور بانکی، فصل نامه دیدگاه های حقوق قضایی، دوره ۱۷، شماره ۶۰، صفحات: ۱۱ تا ۱۴.
۲۰. قاسم زاده، مرتضی و فلاح نژاد، فاطمه (۱۳۹۷). خرید دین در نظام بانکی ایران، فصل نامه دیدگاه های حقوقی قضایی، دوره ۲۴، شماره ۸۵، بهار ۱۳۹۸، صفحات: ۷۷ تا ۹۵.
۲۱. کریمی گلنار، بهمن و شیر، جمشید (۱۳۹۵). بررسی فقهی حقوقی تنزیل اسناد و اوراق بهادار با تأکید بر مقررات جدید بانکی. نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی. دوره ۵ شماره ۱۵، صفحات: ۱۵۵-۱۷۶.
۲۲. گارنر، براین ای (۱۳۸۶). فرهنگ حقوقی سیاه (Black Law Dictionary)، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.
۲۳. مبین، حجت؛ امیرحسینی، امین (۱۳۹۴). بررسی فقهی و حقوقی ماهیت تنزیل اسناد تجاری با تأکید بر مقررات بانکی کشور، دو فصل نامه دانشنامه حقوق اقتصادی(دانش و توسعه سابق)، دوره جدید، سال بیست و دوم، شماره ۷، صفحات: ۹۴-۱۲۷.
۲۴. محمدزاده وادقانی، علیرضا (۱۳۹۸). حقوق تجارت، چاپ سوم سوم سال ۱۴۰۲، تهران: انتشارات مجمع علکمی و فرهنگی مجد، صفحه ۲۴.
۲۵. مریدی، سیاوش و نوروزی، علیرضا (۱۳۷۳). فرهنگ اقتصادی، چاپ اول: تهران: مؤسسه کتاب پیشبرد و انتشارات نگاه، صفحه: ۲۸۲.
۲۶. ملاکریمی، فرشته (۱۳۹۰). بررسی فقهی عقود، مباحه، خرید دین و استصناع، فصل نامه تازه های اقتصاد، صفحات: ۴۰ - ۴۶.

۲۷. مناجاتی، رضا (۱۳۹۰). آموزش گام به گام مدیریت مالی، تهران: انتشارات نگاه دانش، صفحه ۳۶.
۲۸. موسویان، سید عباس (۱۳۷۷). مبانی و کلیات علم حقوق، تهران: انتشارات پایدار، صفحه: ۶۳.
۲۹. موسویان، سیدعباس (۱۳۸۰). مشارکت مجدد جایگزین تنزیل مجدد، فصل نامه اقتصاد اسلامی، دوره اول، شماره ۳ صفحات: ۷۵ تا ۹۰.
۳۰. نجفی، محمدحسن بن باقر (۱۳۹۲). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ویراستار: محمود قوچانی، چاپ ششم، قم: انتشارات اسلامی.
۳۱. نصیری، مصطفی و ملازهی، رقیه (۱۳۹۶). ماهیت حقوقی عاملیت بین المللی (فاکتورینگ)، مجله حقوقی دادگستری، سال هشتادم، شماره ۹۵، صفحات: ۱۵۰-۱۲۵.
۳۲. ولی زاده، حمید؛ صفرخانی، محدثه (۱۳۹۱). بررسی فقهی حقوقی بیع، نخستین همایش ملی فلسفه حقوق با تاکید بر فلسفه حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رامهرمز صفحه ۱.
۳۳. هجینی نژاد، صدیقه و گنج بخش، محمود (۱۴۰۱). چالش اصلاحات اخیر قانون صدور چک با تنزیل چک و خرید دین (مطالعه تطبیقی قانون نمونه آنسیترا و کنوانسیون ژنو و مقررات انگلستان، آمریکا)، فصل نامه تحقیقات حقوقی، دوره: ۲۵، شماره: ۱۰۰، صفحات: ۲۹۶-۲۷۱.
۳۴. هدایتی، علی اصغر و سفری، علی اصغر و کلهر، حسن (۱۳۶۷). عملیات بانکی داخلی - ۲ (تخصیص منابع)، چاپ اول: مرکز آموزش بانکداری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، زمستان، صفحه: ۱۵۹.

ب) منابع لاتین

۱. Ali, A., & Khan, M. M. (۲۰۱۶). Investigating the consumer's Islamic religious belief impact on their beliefs towards Islamic banking products. *International Journal of Bank Marketing*, ۳۴(۶), ۹۰۳-۹۱۷ .
۲. Hasan, R., & Azam, M. (۲۰۱۹). Importance of strengthening relationship with debt buying in Islamic banking. *ISRA International Journal of Islamic Finance*, ۱۱(۱), ۱۲۹-۱۴۶ .
۳. Kamarudin, Sharif. (۲۰۱۴). Debt Purchasing in Islamic Finance: Sharī'ah Parameters and Operational Structures. *ISRA International Journal of Islamic Finance*, ۶(۱), ۹-۳۲.
۴. Keitz, J., & Murphy, M. (۲۰۱۹). *Principles of Taxation*. Cengage Learning.
۵. Khan, M. M., & Rahman, M. M. (۲۰۲۰). Relationship between ethical behavior and debt buying in Islamic banking. *Journal of Islamic Marketing*, ۱۱(۴), ۷۳۷-۷۵۱ .
۶. Mishkin, F. S., & Eakins, S. G. (۲۰۱۵). *Financial Markets and Institutions*. Pearson Education Limited.
۷. Mohamad Noor, N. H., & Alias, E. T. (۲۰۱۸). An Overview of Islamic Banking in Malaysia: Development and Challenges. *Journal of Islamic Finance Studies*, ۲۱(۱), ۱-۱۵.
۸. Ounagh, Sh. (۲۰۱۳). *The Discount of the Commercial Paper in the Iranian Legal System*. Master's Thesis in Private Law, Tehran, Tarbiat Modares University, p ۱۰۶ .
۹. Rahman, M. M., & Choudhury, T. T. (۲۰۱۸). Cultural differences in debt buying behavior in Islamic banking. *International Journal*

of Bank Marketing, ۳۶(۲), ۳۱۵-۳۲۸.

۱۰. Razaei, M., et al. (۲۰۱۷). The Concept of Bai' in Islamic Banking and Finance: A Critical Analysis. *International Journal of Islamic Financial Services*, ۵(۱), ۴۸-۶۲ .
۱۱. Salleh, M., & Hussain, M. K. (۲۰۱۷). A Study on the Application of Bay' al-Dayn (Debt Purchase) in Islamic Banking: A Malaysian Perspective. *Journal of Emerging Markets Finance & Accounting Research*, ۶(۲), ۱-۱۶.
۱۲. Zainuddin, M., & Sidek, S. S. M. (۲۰۱۶). An Analysis of Bay' al-Dayn (Debt Purchase) in Islamic Banking: A Case Study of Malaysian Banks. *Journal of International Business & Economics Research Journal (JIBER)*, ۱۵(۵), ۱۳-۲۶.